

بسم الله الرحمن الرحيم

کلام اهل بیت از امام حسین (ع) و حادثه عاشورا

ایجاد انگیزه :

ماه محرم است، ماهی که یادآور حماسه‌ی جاودان و خونین قیام عاشورا به کارگردانی حضرت ابا عبدالله الحسین است، حادثه‌ای که در سرزمین تفتیده‌ی عراق در سال ۶۱ هجری واقع شد، اما به بلندای تاریخ بشر و به دامنه‌ی همه‌ی افراد و انسان‌ها، درس و پیام در بر داشت. قصه‌ای که کوتاه بود اما پر از درس، افرادی که محدود بودند. اما با افق فکری بالا، بیابان و سرزمینی که تفتیده و گرم بود و توسط دشمن محاصره شده بود، این سرزمین بعدها محل رفت و آمد شد، محل زیارت و قبله‌ی کسانی که خواستند با مولایشان، ابا عبدالله ارتباط برقرار کنند. شما واقعاً کدام حادثه را در تاریخ سراغ دارید که این قدر تازه بماند؟ این حادثه بعد از ۱۴ قرن در هر محرمی که فرا می‌رسد تازه است. برای بسیاری از انسان‌ها در طول تاریخ حوادثی پیش آمده است، اما هیچ حادثه‌ای به اندازه‌ی حادثه کربلا این گونه جاودانه نمانده و این گونه بقاء نداشته و این گونه مورد اهتمام واقع نشده است! راستی، امام حسین چه کرد که این طور ماند! آیا صرف مصیبت باعث شد که این طور جاودانه بماند؟ خیر، انسان‌های زیادی در طول تاریخ مصیبت دیده‌اند، انسان‌های زیادی در طول تاریخ کشته شده‌اند، جان داده‌اند، فرزند داده‌اند. علت این که این گونه نام ابا عبدالله جاودان مانده است و وقوع آن حادثه، این گونه زمینه‌ی بقائش را فراهم کرده چیست

همه‌ی اهل بیت ما کشتی نجاتند، امام رضا می‌فرمود: ما همه کشتی نجاتیم، اما «سفینه الحسین اوسع»؛ کشتی امام حسین گسترده‌تر است، و «أسرع» تُندتر می‌رود. چگونه است با این که همه‌ی اهل بیت فرزند پیغمبرند و نسبت به همه‌ی آنها سفارش شده، و ما نسبت به همه آنها وظیفه داریم؛ همان گونه که در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «من والاکم فقد وای الله»، (۱: من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳؛ التهذیب، ج ۶، ص ۹۷؛ بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۲۹). اما امام حسین در بین خود اهل بیت و در بین خود ائمه و ویژگی‌هایی دارد که این ویژگی‌ها منحصر به فرد است. عاشورا و حادثه‌ی کربلا و نام امام حسین در بین اهل بیت چگونه تجلیل می‌شد؟ شاید برای بعضی هم سؤال باشد که اهل بیت چگونه برای امام حسین عزاداری می‌کردند؟ و چگونه سفارش می‌کردند؟

متن و محتوا :

۱. زیارت امام حسین (ع)

مرحوم ابن قولویه، کتابی به نام «کامل الزیارات» دارد. ایشان در این کتاب ثوابها و آثاری را که بر زیارت امام حسین مترتب است و بسیار هم بی نظیر است نقل می کند. می توان این آثار را به سه دسته تقسیم کرد: ۱- آثار معنوی، ۲- آثار اخروی. قرآن می فرماید: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ» (۱: قمر، ۵۴). انسان های باتقوا، انسان های اهل دین پیش خدا هستند. «نهر» را «الفضاء الواسع» معنا کرده اند؛ یعنی جای گسترده، و بعد می فرماید: «مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ». این آیه خیلی عجیب است و ما خیلی درک نمی کنیم که چه می خواهد بگوید، اما همین قدر که می گوید که انسان های با تقوا نزد خدا هستند؛ «عند ملیک مقتدر» (۲: قمر، ۵۵)؛ درباره ی این دو صفت سفارش شده که وقتی می خواهید دعا کنید خدا را با این دو صفت بخوانید؛ «ملیک» و «مقتدر». اما متقین در اینجا چه کسانی هستند؟ نوشته اند امام رضا (ع) این آیه را می خواند، بعد می فرمود: یکی از مصداق های این آیه، زوآر قبر جدّم، حسین است. می فرمود: «من زار الحسين بين علي (ع) عارفاً بحقه»؛ هر که حسین ما را با معرفت زیارت کند، «کان من محدثی الله» (۳: و بهذا الاسناد عن سعد عن أحمد بن علی بن عبید الجعفی عن محمد بن ابی جریر القمی قال سمعت أبا الحسن الرضا (ع) يقول لأبی من زار الحسين بن علی (ع) عارفاً بحقه کان من محدثی الله تعالی فوق عرشه ثم قرأ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَاتٍ وَ نَهْرٍ مَقْعَدِ صَدَقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ (مستدرک، ج ۱۰، ص ۲۵۱، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۷۳؛ کامل الزیارات، ص ۱۴۱). از کسانی است که در عرش با خدا حرف می زند. شما این اثر را در جای دیگر نمی بینید. امام صادق فرمود: وقتی کسی به زیارت امام حسین می رود بدرقه اش می کنند، وقتی زائر امام حسین مریض می شود به عیادتش می آیند، وقتی از دنیا می رود به تشیع جنازه ی او می آیند، وقتی او را در قبر گذاشتند، برای او طلب مغفرت می کنند. این ثواب چیست؟ چرا این قدر عجیب است. اما صادق فرمود: «انّ فاطمه بنت محمد تحضر لزوار قبر ابنها قبر ابنها الحسين فستغفر لهم ذنوبهم» (۴: کامل الزیارات، ص ۱۱۸)؛ حضرت فاطمه هنگام جان دادن زائران قبر امام حسین بالای سرشان می آید، فاطمه ی زهرا (س) به کنارشان می آید و برای آنها طلب مغفرت می کند. این اثر معنوی زیارت امام حسین است. یک سلسله آثار هم آثار دنیایی است، فرمود: «من زار الحسين» کسی که حسین را زیارت کند، خدا می گوید غصه نخور من حوائجت را برآورده می کنم و روزی ات را تهیه می دهم، دسته سوم: امام صادق می فرماید: «ان لزوار الحسين بن علی (ع) يوم القيامة فضلا على الناس قلت و ما فضلهم قال يدخلون الجنة قبل الناس بأربعين عاماً و سائر الناس في الحساب و الموقف» (۱: وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۲۵؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۶؛ کامل الزیارات، ص ۱۳۷)؛ وقتی همه ی مردم در روز قیامت منتظرند، زائران امام حسین در میان آنها برگزیده و مشخص هستند. و چهل سال قبل از دیگران وارد بهشت می شوند. اهل بیت چگونه از عاشورا و

امام حسین تجلیل کرده‌اند؟ ۱- سفارش به زیارت ایشان نموده‌اند و فرموده‌اند زیارت ایشان اثر معنوی، دنیوی و اخروی دارد، و این اثر بی‌نظیر است.

۲. مجالس امام حسین (ع)

دومین مسئله‌ای که ائمه بر آن تاکید کرده‌اند مسئله‌ی مجالس امام حسین است. امام رضا (ع) می‌فرمود: «إِنَّ الْمَحْرَمَ شَهْرًا أَهْلَ الْجَاهِلِيَّةِ يَحْرَمُونَ فِيهِ الْقِتَالَ» (۲: بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳، الامالی للصدوق، ص ۱۲۸؛ المناقب ج ۴، ص ۸۶)؛ محرم ماهی است که حتی در دوران جاهلیت جنگ را در آن حرام می‌دانستند ما چهار ماه داریم؛ ذی‌القعدة، ذی‌الحجه، محرم و رجب که به آنها ماه‌های حرام گویند. در این چهار ماه قبل از اسلام جنگ حرام بود، یعنی مشرکان و کفار با این که با هم خیلی درگیری داشتند، در این چهار ماه با هم نمی‌جنگیدند. پیغمبر اکرم که ظهور کرد آمد و در جامعه ظاهر شد و اسلام را آورد با قوانین عرب سه نوع برخورد داشت؛ اثباتی، اصلاحی و انکاری. بعضی از چیزهایی که نیاز به اصلاح داشت، اصلاح کرد و بعضی از چیزهایی که مفید نبود و باید برداشته می‌شد، برداشت. پیغمبر گرامی اسلام همه‌ی آداب عرب را به هم نزد، بعضی از موارد را پذیرفت، به این برخورد اثباتی می‌گویند. یکی از موارد اثباتی همین مسئله‌ی چهار ماه حرام بود. خدا در قرآن می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ» (۱: بقره، ۲۱۷)؛ پیغمبر از تو می‌پرسند این چهار ماهی که در آن قبل از اسلام جنگ حرام بوده، بعد از اسلام وظیفه چیست؟ به مردم بگو بعد از اسلام هم جنگ در این ماه‌ها حرام است. این قانون اثباتی است. امام رضا فرمود: قبل از اسلام جاهلیت در محرم نمی‌جنگیدند، می‌گفتند جنگ حرام است، اما بنی امیه در این ماه حسین ما را به شهادت رساندند. مسلمانان در مقابل امام حسین صف‌آرایی کردند و با حسین ما جنگیدند. بعد فرمود: مردم اگر می‌خواهید برای امام حسین گریه کنید بدانید گریه‌ی بر او گناهان بزرگ را از بین می‌برد، و گناه زد است. (۲: بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳، الامالی للصدوق، ص ۱۲۸، المناقب، ج ۴، ص ۸۶) فرمود: مردم بدانید حسین ما را به گونه‌ی فجیعی کشتند، به گونه‌ای کشتند که نظیر نداشت. شکل دوم تجلیل از امام حسین، توصیه به مجالس امام حسین بود. امام رضا فرمود: اگر خواستید بر مصیبتی گریه کنید؛ مثلاً پسری، پدری و یا مادری را از دست دادید- بالاخره در زندگی انسان گاهی مصیبت پیش می‌آید- «فَابْكِ لِلْحُسَيْنِ»؛ برای صاحب عزا و مصیبت خودتان گریه نکنید، برای حسین ما گریه کنید. همین رسم بین ما هست دیده‌اید در مجالس‌های عزایمان روضه‌ی امام حسین می‌خوانند. چرا امام رضا می‌فرماید: «إِنْ كُنْتَ بَاكِيًا لَشَيْءٍ فَابْكِ لِلْحُسَيْنِ»؛ برای صاحب عزا و مصیبت خودتان گریه نکنید و برای حسین ما گریه کنید، چرا امام رضا می‌فرماید: «إِنْ كُنْتَ بَاكِيًا لَشَيْءٍ فَابْكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ» فانه ذبح کما یذبح الکبش» (۳: وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۲؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۵؛ عیون الخبار الرضا، ج ۴، ص

(۲۹۹)؛ اگر خواستید در مصیبتی برای خودت گریه کنی، برای امام حسین گریه کن؟ چون آنها می‌خواهند حادثه‌ی عاشورا و امام حسین تجلیل شود و بماند. این گریه گریه‌ی صدق است.

گریه‌ی با صدق، بر جان‌ها زند تا که چرخ و عرش را گریان کند

گریه بی صدق بی رونق بود دین ز آن بر گریه‌اش خندان بود

۳. تکریم شعرا و مداحان

تجلیل از شعرا و مداحان، کسانی که برای امام حسین شعر می‌خواندند. امام صادق چه تجلیلی از آنها می‌کرد! شخصی به نام ابی هارون مکفوف خدمت امام صادق آمد، امام صادق به او فرمود: شنیده‌ام درباره‌ی امام حسین شعر می‌گویی؟ گفت: بله آقا، فرمود: بلند شو، به همان سبکی که بین خودتان می‌خوانید شعرت را بخوان. - یعنی ملاحظه نکن حالا چون پیش امام صادق هستی بخواهی سبک جدیدی بخوانی، بلکه به همان سبک عزاداری‌های خودتان بخوان - او بلند شد، شروع کرد به شعر خواندن. می‌گوید امام صادق این قدر گریه کرد که دیدم اشک‌هایش بر روی محاسنش جاری شد. (۱: بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۷)؛ کمیت یک شاعر است، آمد خدمت امام صادق، وقتی اشعارش را خواند امام (ع) فرمود: «اللهم اغفر للکمیت ما قدم و اخرو ما اسرو و اعلن و اعطه حتی یرضی» (۲: شاگردان مکتب ائمه، ج ۳، ص ۱۵۶)؛ خدایا گناهان گذشته و آینده‌ی او را ببخش، و هر چه کرده او را مغفور قرار بده، بعد فرمود: کمیت، به خدا قسم وقتی تو این اشعار را خواندی ملائکه در اینجا حاضر شدند و با من و با این جمعیت گریه کردند. چقدر تجلیل! دِعْبِلْ خُزَاعِی، اهل خوزستان است، بلند شد خدمت امام رضا آمد، در طول مسیر هر چه جلوی او را گرفتند که دعبیل شعرهایت را بخوان، گفت نمی‌خوانم، می‌خواهم قصیده‌ام را برای امام رضا بخوانم. وقتی خدمت امام رضا رسید شروع کرد به خواندن:

أ فَاطِمُ لَوْ خَلَّتِ الْحُسَيْنَ مُجَدَّلًا وَ قَدْ مَاتَ عَطَشَانًا بِشَطِّ قُرَاتٍ. (۳: بحار الانوار، ج ۴۹، ص

۲۴۷؛ کشف الغمه، ص ۳۲۲) فاطمه جان، اگر در کربلا بودی و می‌دیدید عزیزت را با لب تشنه کشتند، به صورت و چهره می‌زدی. امام رضا اشک ریخت و گریه کرد، بعد هم که اشعارش تمام شد امام رضا پیراهنی را که به تن داشت در آورد و گفت: دِعْبِلْ، من با این پیراهن نماز خوانده‌ام، با آن نماز شب خوانده‌ام، عبادت کرده‌ام، این برای تو باشد و مقداری هم پول به او داد. او گفت: آقا! من برای پول شعر نخواندم، من برای خدا خواندم. فرمود: می‌دانم ولی به دردت می‌خورد. (۱: شاگردان مکتب ائمه، ج ۲، ص ۱۴۹)؛ سید هِنَیْرَی پیش امام صادق شروع کرد به شعر خواندن:

امْرُؤٌ عَلَى جَدَّتِ الْحُسَيْنِ فَقُلِّ لِأَعْظَمِهِ الزَّكِيَّةِ

(۲: وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۵).

امام صادق (ع) دستور داد خیمه زدند، زن‌ها در یک طرف، مردها طرف دیگر نشستند. چرا این قدر تجلیل می‌کردند؟ از زائر تجلیل میکردند، از اقامه‌ی مجلس استقبال می‌کردند.

۴. احترام به خاک کربلا

تربت هم یکی از مواردی است که مورد تجلیل ائمه بوده است. خاک کربلا در کیسه‌ای نزد امام صادق (ع) بود، امام فرمود: اگر کسی بر آن سجده کند حجاب‌های هفت‌گانه را از بین می‌برد. دلیل این همه تجلیل، از تربت، از زیارت، از شعرا، از خاک، از زمین، از اصحاب چیست؟ این تجلیل‌ها فقط مربوط به بعد از کربلا نیست، سال‌ها قبل از واقعه‌ی کربلا وقتی امیر المومنین (ع) دارد از صفین برمیگردد، در سرزمین کربلا پیاده شد؛ حرثمه بن سلیم می‌گوید: آقایم پیاده شد، ما که نمی‌دانستیم آن جا کجاست، فقط دیدیم یک مشت از خاک را برداشت بویید و دائم به این خاک نگاه می‌کرد و می‌فرمود: «و اهاً لَكَ أَيَّتْهَا التُّرْبَةُ!» ای خاک! خوشا به حالت، ای خاک بارک الله، درود بر تو، روزی از روی تو انسان‌هایی بر می‌خیزند که نظیر ندارند. حرثمه می‌گوید: من باور نکردم، تعجب کردم، پیش خودم انکار کردم و گفتم امیرالمومنین چه می‌گوید؟ در این بیابان خاک را برداشته و می‌گوید ای خاک خوشا به حال تو. حرثمه می‌گوید یک روز در سال ۶۱ هجری حرثمه در لشکر ابن زیاد بوده است - نشسته بودم ناگهان در ذهنم جرقه‌ای زد، یادم آمد ۲۳ سال پیش از همین سرزمین عبور می‌کردیم امیر المومنین چیزی فرمود. من آن روز سخن امیرالمومنین برایم سنگین آمد و نتوانستم بپذیرم. اما اکنون حادثه در حال وقوع است. (۱: بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۵۵؛ الامالی للصدوق، ص ۱۳۶).

کربلا فراتر از مرز سرزمین تفتیده‌ی عراق است، کربلا فراتر از سال ۶۱ هجری و حادثه‌ی چند ساعت محدود است. کربلا فراتر از ۷۲ یار و فراتر از اصحاب محدود است. کربلا از فراز تاریخ بشر از زمانی که جبرئیل برای آدم ابوالبشر روضه‌ی کربلا را خواند و او گریه کرد شروع شد و تا قیامت هم ادامه دارد؛ چون کربلا عامل بقاء است، عامل ماندگاری و تداوم و استمرار و عامل حفظ دین است. بدانید سرزمین کربلا در بعضی روایات آمده که افضل از کعبه است. چگونه این سرزمینی که امام حسین در شب عاشورا دور خیمه - هایش طواف داشت، نم‌اند؟ همه‌ی این ماندگاری به این دلیل است که: «و من يُعْظَمَ شَعَائِرَ اللَّهِ»؛ (۲: حج، ۳۲)؛ شعائر الهی باید تجلیل شود. به قول احمد شوقی، «نویسنده‌ی مصری که می‌گوید: ملتی که تاریخ و گذشته‌ی خودش را فراموش کند، مثل بچه‌ی سر راهی است که اسم پدر و مادرش را نمی‌داند، نمی‌داند از کجا آمده است، شناسنامه ندارد، والدینش معلوم نیستند. شما می‌دانید، خود تاریخ تکرار پذیر نیست، این مسلم است. حادثه‌ی عاشورا هم همین‌گونه است، خود حادثه تمام شد و دیگر تکرار نمی‌شود، اما تکرار بردار است، یعنی نمونه و شبیه دارد. عین همان حادثه دیگر نیست، آن حادثه تمام شد، اما حادثه‌ی عاشورا قابل

استنساخ و نسخه‌برداری است. چه عناصری در عاشورا بود که این گونه در مقابل امام حسین صف‌آرایی شد؟ ما باید این عناصر را بشناسیم. واقعاً اگر ما ندانیم کارکردهای عاشورا برای امروز ما چیست خسران بزرگی است. به حادثه‌ی عاشورا نمی‌توان چیزی افزود و نمی‌توان چیزی از آن کم کرد. مصیبت علی اکبر به یک گونه واقع شده و تمام شده است، حال ممکن است اشعاری که در این زمینه سروده شده آن را متنوع کند، اما اصل حادثه را نمی‌شود تغییر داد. حادثه‌ی عاشورا در ساعات محدودی واقع شده، آنچه که قابل نقل و روایت است و کاستن از آن خیانت است. باید عین آن را بیان کرد. اما می‌بینید که گاهی از یک کلمه یا یک آیه از قرآن صدگونه برداشت و تفسیر می‌کنند. لذا خود حادثه قابل افزودن و کاستن نیست؛ اما درس‌های و برداشت‌های آن زیاد است. باطنی دارد و ظاهری دارد. اگر ما توانستیم کارکردهای عاشورا را استخراج کنیم توانسته‌ایم پیام‌های عاشورا را برای خودمان درک کنیم. اگر توانستیم تحلیل کنیم که چه شد سی هزار نفر در مقابل امام حسین جمع شدند، امام حسینی که آقازاده بود و در کوفه او را می‌شناختند، چه شد که کوفیان در مقابلش صف‌آرایی کردند؟ این چیزی است که باید تحلیل شود.

شخصی بحث عوام و خواص را مطرح کرد، فرمود: در کربلا خواص، عوام را به دنبال خود کشیدند و این حادثه را ایجاد کردند. خواصی مثل شریح. شریح قاضی واقعاً از خواص است، او ساکت ماند و آن برخورد را با هانی ابن عروه داشت و حق را نگفت. ایشان بحث ریزش‌ها و رویش‌ها را نیز مطرح کرد، در کربلا چه کسانی ریختند؟ عبیدالله حرّ جوفی نتوانست بیاید لذا او ریخت، اما حرّ روید. درباره‌ی ریزش‌ها و رویش‌ها و عوامل آن نیز باید بحث شود. زمانی ایشان بحث درس‌ها و عبرت‌های عاشورا را مطرح کرد، و بین این دو تفاوت قائل شد، فرمود: درس غیر از عبرت است. این‌ها حرف‌های نو و تازه‌ای است. این‌ها کارکردهای جدید و برداشت‌های امروزی از کربلاست. این که ما ببینیم چه کسانی ریختند؟ چه کسانی رویدند؟ چرا ریختند؟ چرا رویش داشتند؟ چرا یک نوجوان این‌گونه برای شهادت التماس می‌کند؟ اما بعضی‌ها در همین ایام محرم از امام حسین جدا شدند؟ چرا بعضی‌ها امام حسین را از آمدن به کربلا منع کردند؟ خودشان نیامدند و به امام هم گفتند: آقا شما هم نرو. چرا بعضی‌ها آمدند و تسلیم شدند؟

دلیل آمدن امام حسین (ع) به کربلا

. امام حسین نامه‌ای به مردم بصره نوشت و در آن نامه سه مطلب را بیان کرد، هر که می‌خواهد بداند چرا امام حسین به کربلا آمد، همین نامه برای او کافی است. می‌فرماید: «الا و إِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ»؛ مردم بصره! مردم دنیا! سنت پیغمبر مُرده — نه اینکه دارد می‌میرد، بلکه مرده؛ «إِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ». کسی که به سنت پیغمبر عمل نمی‌کرد. سنت پیغمبر، ولایت امیرالمومنین بود که در سقیفه انکار شد. سنت پیغمبر مودّت فی القربی بود، این همه آدم در مقابل امام حسین جمع شدند و امام در این میان قربانی شد! کجاست

سنت پیغمبر؟ سنت پیغمبراین بود که فرمود: «عَلَىٰ مَعَ الْحَقِّ مَعَ الْعَلِيِّ»، چه کسی دنبال علی ایستاد؟! قرآنی که امیرالمومنین تفسیر کرد و همراه با شأن نزول آیات بود همین قرآن بود؛ حضرت اضافی از شأن نزول و نکاتی را یادداشت کرده و نوشته بود که اصلاً نپذیرفتند، کجاست سنت؟! فرمود: مردم! سنت پیغمبر مرده، «وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيَيْتَ» و در دین هم بدعت گذاشته شده، اگر دنبال من حسین بیاید من شما را هدایت می‌کنم. پس سه مطلب در این نامه است: ۱- سنت مرده، ۲- بدعت گذاشته شده، ۳- راه نجات شما ولایت پذیری است؛ اگر دنبال من بیاید «فان تسمعوا قولي و تطيعوا امري اهدكم سبيل الرشاد». (۱: بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۸)؛

اعمال و شب و روز اول محرم

شب اول ماه محرم، شبی است که چند نماز وارد شده اول: صد رکعت در هر رکعت یک حمد و یک قل هو الله خوانده می‌شود. دوم: دو رکعت در رکعت اول حمد و سوره انعام، و در رکعت دوم حمد و یس خوانده می‌شود. سوم: دو رکعت نماز دارد که در هر رکعت حمد و یازده قل هو الله احد خوانده می‌شود. برای فردا نماز اول ماه توصیه شده و بر روزهی آن نیز فوق‌العاده تأکید شده است. در روایت داریم حضرت زکریا در روز اول محرم روزه گرفت و دعا کرد و دعایش مستجاب شد. (۱: بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳؛ الامالی للصدوق، ص ۱۲۸؛ المناقب ج ۴، ص ۸۶). محرم ماه حزن و اندوه است، سفارش شده روز اول آن را روزه بگیرید، روزه اول محرم معادل روزهی همه‌ی سال است. سفارش شده برای حاجاتتان روز اول محرم دعا کنید. دقت کنید معنویت با حماسه‌ی امام حسین آمیخته است، معنویت با آغاز حرکت اباعبدالله آمیخته است. فرمود: هر کسی که امام حسین را زیارت کند، زهرای مرضیه برایش دعا می‌کند. هر کسی که او را زیارت کند، ملائکه برایش دعا می‌کنند. هر کسی که او را زیارت کند گویا با خدا صحبت کرده و با خدا مناجات کرده است. هر کسی که او را زیارت کند آسمانیان و کربوبیان برایش دعا می‌کنند. در کتاب کامل الزیارات برای زیارت امام حسین ثواب‌های عجیبی ذکر شده است. مرحوم علامه‌ی امینی و دیگران یکی از رمزهای موفقیتشان را همین می‌دانند. این که این قدر تربت امام حسین سفارش شده، یعنی بیان ارزش تربت شهید؛ یعنی زنده نگه داشتن شهادت، والا آن خاک است. خاک منهای امام حسین این ارزش را ندارد. چون خون امام حسین روی آن ریخته شده ارزش پیدا کرده است. اگر گفته‌اند بر تربت امام حسین سجده کن؛ یعنی سجده در برابر ایشان، شهادت، اخلاص، عبودیت، تسلیم و رضا. اگر گفته‌اند به زیارت حسین برو «عَارِفًا بِحَقِّهِ»؛ یعنی معرفت، یعنی فهم، یعنی درک، یعنی تغییر و تحول. امام حسین رمز تغییر است، رمز تحول است.

گریز و روضه :

پیغمبر از شهادت فرزندش خبر داشت، لذا نوشته‌اند: وقتی قن‌داقه‌ی امام حسین را دست رسول خدا ص دادند، لب‌ها را گذاشت بر گلوی حسین و بوسید، بعد گفت: ما لی و لیزید بن معاویه؛ (همان، ج ۴۴، ص ۲۶۶) یزید مرا با تو چه کار؟!

پیامبر خیلی گلوی امام حسین را می‌بوسید و می‌فرمود: *أَقْبَلُ مَوْضِعَ السُّيُوفِ*؛ (بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۱۹؛ کامل‌الزیارات، ص ۷۰؛ منتهی‌الامال، ص ۴۰۵) این جای شمشیر است، من جای شمشیر را می‌بوسم. به تعبیر یکی از بزرگان برای همین است که پیامبر فرمود: هیچ پیامبری به اندازه‌ی من اذیت نشد. با این که پیغمبر می‌فرمود: بعضی از پیامبران را قطعه، قطعه می‌کردند و میان درخت می‌گذاشتند. بدن‌شان را آره می‌کردند و به چاه می‌انداختند. منظور پیامبر شکنجه‌ی جسمی نیست، منظور آن حضرت اذیت و آزارهایی بود که بعد از او به اهل بیت و ذریه‌اش وارد می‌شد.

گاهی به حسن نگاه می‌کرد، لب‌هایش را می‌بوسید و می‌فرمود: از راه دهان مسموم می‌شود. گاهی به حسین نگاه می‌کرد و زیر گلویش را می‌بوسید و می‌فرمود: شمشیر بر گلوی او می‌گذارند و به شهادت می‌رسد. گاهی به فاطمه نگاه می‌کرد، جای سیلی را می‌دید و اشک می‌ریخت. گاهی به فرق امیرالمؤمنین نگاه می‌کرد، گریه می‌کرد و می‌فرمود: این محاسن با خون سر خضاب می‌شود. این سر، شمشیر خواهد خورد. مکرر پیامبر ص این حوادث را بیان می‌کرد و اشک می‌ریخت.

یا رسول الله، همه‌ی این‌ها را پیش بینی کردی؛ برای فاطمه، برای حسین، اما نبودی کربلا ببینی چه اتفاقی افتاد؟!